

با فاطمه مرنیسی در کتاب زنان پرده نشین و نخبگان جوشن پوش

صدیقه محقق حبیب آبادی^(۱)

فاطمه مرنیسی، جامعه شناس و محقق مراکشی است که دارای آثاری در باره جنگ و صلح و نیز سرنوشت زن در جوامع اسلامی است. وی برنده جایزه پرنس آستوریاس ۲۰۰۳ به همراه سوزان ساتاگ می‌باشد. از جمله آثار معروف او کتاب‌های «کتابی برای صلح» به زبان اسپانیایی و «زنان حجله نشین و نخبگان جوشن پوش» است. این دومی توسط ملیحه مغازه‌ای به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۸۰ توسط نشر نی در تهران منتشر شده است.

ترجمه فارسی کتاب دارای مقدمه بلندی به قلم محمد کریمی زنجانی اصل می‌باشد (از صفحه ۱۱ تا ۴۹).

با توجه به این که خانم مرنیسی از اهل سنت می‌باشد و کمتر با دیدگاه‌های شیعی در باره زن آشناست، آقای کریمی اصل کوشیده است تا با مطرح کردن دیدگاه‌های شیعی بویژه فقه شیعه در باره زنان، کاستی‌های این کتاب را جبران نماید.

اصل کتاب دارای دو مقدمه از شخص نویسنده (خانم مرنیسی) و دو بخش بلند می‌باشد. مرنیسی در کتاب خود کوشیده است روایت جدیدی از سرنوشت زن در صدر اسلام، یعنی مدینه رسول خدا ارائه بدهد. از لحن کلام وی چنین برمی‌آید که او به دین اسلام ایمان دارد ولیکن با تحقیق آزاد در منابع کوشش می‌کند اجحافی را که به نام اسلام بر زن رفته روشن سازد و به اثبات

برساند که وضع زنان در مدینه رسول خدا ﷺ و بعد از آن، بیشتر از انحراف مسلمانان و تحمیلات برخی از صحابه پیامبر سرچشمه گرفته تا از اصل آموزه‌های اسلام و حضرت محمد ﷺ. وی در این زمینه از خشونت‌ها و سخت‌گیریهای ضد زنانه خلیفه دوم «عمر» به صورت مکرر یاد می‌کند که گویا وی در مدینه دارای تیم و باندی از مردان همفکر بوده و می‌کوشیده‌اند از حضور اجتماعی و سیاسی زنان جلوگیری نمایند.

وی از نقش تحریف‌گرانه «ابو هریره» با استفاده از عنوان صحابی رسول خدا و محدث بویژه در باره کتمان حقوق واقعی زنان در اسلام، با شکایت و اصرار یاد می‌کند و انتساب حدود ۵۳۰۰ حدیث از این طریق به پیامبر را امری نامعقول و موهوم معرفی می‌کند. (صفحات ۴۶ - ۱۴۵). تحقیق وی که با ادبیات داستانی - تاریخی ارائه شده است از چهره بسیاری از حقایق کتمان شده در تاریخ اسلام پرده برمی‌دارد و رویکرد مدافعانه و مثبت اسلام نسبت به عدالت جنسیتی و احیاء حقوق نادیده گرفته شده زنان را به نمایش می‌گذارد.

با این همه، خانم مرنیسی دچار اشتباهات تاریخی متعددی نیز می‌باشد و نیز زیاده روی بیش از حد در این تصور که «عمر» و مردان همفکر او مانع عملی شدن دیدگاههای قرآنی و تصمیمات شخص رسول خدا در باره اصلاح وضع زنان گردیده‌اند، کاملاً محسوس است.

ایشان در بخش اول کتابش با عنوان «متون مذهبی به مثابه حربه سیاسی» به نقد تواریخ موجود اسلامی و نیز روایات و احادیث منسوب به پیامبر خدا می‌پردازد. در این قسمت با به کارگیری برخی از موازین جدید پژوهش به موفقیت‌هایی دسترسی پیدا می‌کند. (صفحات ۱۴۸ - ۶۸). بویژه در ذیل بحثی با عنوان «پیامبر و حدیث» نقد و بررسی‌های خردپذیری از احادیث و اخبار ارائه می‌دهد (صفحات ۱۰۶ - ۸۱).

سپس تحت عنوان «سنت بی‌اعتمادی به زن» به ریشه‌یابی انزوای زنان در جوامع مسلمین و ریشه مذهبی آن می‌پردازد و اصل آن را به حدیثی می‌رساند که برخی‌ها از پیامبر نقل کرده‌اند که گویا وقتی که آن حضرت خبر درگذشت کسرا شاه ایران و جانشینی یک زن به جای وی را شنید، فرمود: «آنهايي که مورشان را به دست یک زن می‌سپرنند، هرگز سعادت‌مند نخواهند شد.»

(صفحه ۱۱۰).

آنگاه با بررسی‌های مفصلی بی‌اعتباری این روایت را توضیح داده و با مطرح ساختن حضور اجتماعی و نقش زنانی مانند ام سلمه و عائشه از همسران پیامبر، به این نتیجه می‌رسد که سنت بی‌اعتمادی به زن در اصل اسلام ریشه ندارد، ریشه آن در روایات نادرست و یا ضعیفی از نوع حدیث یادشده در پیش است که افراد کم دقتی امثال ابو هریره آنها را نقل کرده‌اند و نیز رسوبات فرهنگ جاهلی قبل از اسلام در ذهن برخی از صحابه پیامبر در مورد زن، در این بی‌اعتمادی نقش اساسی داشته است.

او که تقریباً در اغلب موارد کتاب خود بر ضد «عمر» سخن سرایی کرده، در این مبحث از مقابله عمر با زیاده روی امثال ابو هریره در نقل حدیث ستایش می‌کند. (صفحات ۱۴۵ - ۱۴۴). بخش دوم کتاب وی با عنوان «مدینه در انقلاب؛ سه سال سرنوشت ساز» مسائل و مباحث مهمی را مطرح می‌کند. فصل اول آن راجع به «حجاب» است. (صفحات ۱۷۰ - ۱۵۳).

ایشان برداشت خاصی از آیه حجاب دارد و آن را حجاب بین مردان و جهت حفظ حریم خانواده می‌داند و نه به معنای پوشش زنان: «نزول حجاب از آغاز نگاهی مضاعف داشت. بُعد عینی و واقعی آن این بود که پیامبر ﷺ میان خودش و انس بن مالک [در شب عروسی با زینب] پرده‌ای کشید و بُعد معنوی و ذهنی آن، نزول این آیه از طرف خداوند به پیامبر ﷺ بود. پیامبر پرده‌ای میان خود و تنها مردی که در خانه او بود کشید و در همان لحظه آیه‌ای را که از طرف خداوند به او وحی شده بود، زیر لب خواند و...» (صفحات ۱۶۹ - ۱۶۸).

فصول دیگر این بخش با عناوین «پیامبر و محیط اجتماعی» (ص ۱۷۳)، «پیامبر و زنان» (ص ۱۸۸)، «عمر و مردان مدینه»، «پیامبر و رهبری نظامی» و «حجاب در مدینه نازل می‌شود»، مورد بحث قرار گرفته است.

فصل آخر آن به نتیجه‌گیری اختصاص یافته است. (صفحات ۲۸۴ - ۲۷۷).

فاطمه مرینیسی در مجموع فصل‌های بخش دوم کتاب خود کوشش می‌کند این مسأله را به اثبات برساند که پیامبر برای اصلاح وضع و احیای حقوق سیاسی و اجتماعی و برقراری عدالت

جنسیتی تلاش می‌کرد ولی تا حدود زیادی در این کار ناموفق ماند و علت اصلی آن بقایای رسوبات فرهنگ جاهلی ضد زن در اذهان شماری از مردان به رهبری «عمر» بود. وی در فصلی که با عنوان «عمر و مردان مدینه» باز کرده، این موضوع را روشن‌تر مطرح ساخته است. (صفحات ۲۴۲ - ۲۲۰).

در حالی که خانم مرنیسی از این نکته اساسی غفلت نموده است که رسول خدا بر سر مطالب وحی شده با کسی مامشات نمی‌نمود و همگان، حتی «عمر» با همه خشونت‌های خانم مرنیسی برای وی قائل است، از رسول خدا فرمانبری می‌کردند.

برخی از نمونه‌های ضعف و اشتباهات خانم مرنیسی را می‌توان به شرح ذیل مورد اشاره قرار داد:

– مطالب ایشان راجع به آزاد بودن تعرض به زنان برده در معابر شهر مدینه (صفحات ۲۶۷ - ۲۶۵ و ۲۷۲ - ۲۷۱).

– نظر تند وی راجع به عمر و کم‌خردی وی و تحقق و نتیجه بخشی مقابله او با پیامبر در مورد حقوق زنان (در بسیاری از صفحات، از جمله ۱۸۵، ۲۰۴، ۲۴۵، ۲۶۹، ۲۷۰ و...).

– دیدگاه اشتباه وی راجع به زینب همسر زید و همسر بعدی رسول خدا ﷺ (صفحه ۱۷۵).

– دیدگاه اشتباه وی راجع به این که پیامبر ﷺ تحت فشار دیگران از جمله منافقان از مواضع خود راجع به تأمین کامل حقوق زنان عقب نشینی کرد. (۲۴۵، ۲۶۱، ۲۷۲ و...).

– تأکید بیش از حد معمول بر جایگاه و نقش عایشه همسر رسول خدا ﷺ.

– عدم اشاره و تعرض مطلق (مثبت یا منفی) وی به زنان بزرگ پر نقشی مانند خدیجه نخستین همسر پیامبر و فاطمه زهرا دختر بزرگوار وی که تقریباً هیچ جایگاهی در این کتاب به آنان حتی در حد اشاره اختصاص نیافته است.

با توجه به مرور بسیار شتاب آلودی که بر کتاب خانم مرنیسی داشتیم، معلوم می‌گردد که نوشته وی خواندنی و قابل استفاده است ولی دارای اشتباهات و کاستی‌هایی است که خوانندگان باید از پیش بدانها آگاهی داشته باشند.